**آشنایی با كتابها و آثار علمي امام خميني (س)**

نویشته: استاد رضا استادي

پایگاه اینترنتی امام خمینی

تا كنون در مورد آثار قلمي و تاليفات حضرت امام خميني - رضوان الله تعالي عليه - مطالب زيادي گفته يا نوشته شده است اما تا آنجا كه بنده اطلاع دارم هنوز فهرست‏بالنسبة كامل آثار ايشان منتشر نشده است از اين رو به فكر افتادم مقاله‏اي در اين زمينه تنظيم نمايم و اميد است نقاط ضعف آن قابل چشم پوشي باشد.

پيش از ورود در اصل موضوع چند مطلب را يادآور مي‏شوم:

مطلب اول:

حضرت امام خميني (س) در سال 1340 ق. وارد قم شدند و تا سال 1355 ق. يعني سال رحلت مرحوم حاج شيخ عبدالكريم حائري يزدي (ره) از محضر درس اساتيدي بزرگ استفاده كردند برخي از اساتيد ايشان عبارتند از:

1-حاج ميرزا جواد ملكي تبريزي، مولف كتاب اسرار الصلاة و غيره متوفاي 1343ق.

2- آقا ميرزا سيدعلي يثربي كاشاني كه از سال 1341 ق. تا 1347 ق. در قم بودند.

3- حاج ميرزا ابوالحسن رفيعي قزويني، صاحب شرح دعاي سحر كه از سال 1341 ق. تا 1349 ق. در قم بودند. (1)

4- آقا شيخ محمدرضا مسجد شاهي، صاحب وقاية الاذهان كه در سالهاي 1344- 1346 ق. در قم بودند.

5- آقا ميرزا محمدعلي شاه آبادي، صاحب رشحات البحار كه در سالهاي 1347-1354 ق. در قم بودند و امام خميني در تمام اين هفت‏سال از ايشان استفاده مي‏كرده است.

6- حاج شيخ عبدالكريم حائري يزدي، موسس حوزه علميه قم و صاحب كتاب دررالفوائد كه امام خميني از حدود سال 1345 تا 1355 ق. از درس فقه و اصول ايشان بهره مي‏برده‏اند.

مطلب دوم:

تاليفات امام خميني (س) در موضوعات دهگانه زير است:

1-عرفان: در اين رشته كتابهاي متعددي نوشته‏اند كه تاريخ تاليف آنها از 1347 تا 1355 ق. مي‏باشد.

2- اخلاق: در اين موضوع نيز كتابهاي متعددي به زبان فارسي نگاشته‏اند كه تاريخ تاليف آنها، ميان سالهاي 1355-1360 ق. مي‏باشد و گويا اين همان زماني است كه درس اخلاق مي‏فرموده‏اند.

3- فلسفه: در اين رشته گويا حاشيه اسفار داشته باشند كه چندي پيش يكي از فضلاي قم حاشيه‏اي از ايشان در مجله كيهان انديشه (شماره‏هاي 11و18) نقل كرده بود.

4- فقه استدلالي: در فقه استدلالي كتابهاي متعددي دارند كه تاليف آنها مربوط به سالهاي 1365 تا تاريخي است كه حضرت امام از نجف به ايران آمدند يعني حدود سال 1397ق.

5- اصول فقه: در اين زمينه هم رساله‏هاي متعددي دارند كه تاليف آنها مربوط به سالهاي قبل از 1370 تا حدود 1371 ق. مي‏باشد.

6- رجال: در اين موضوع بحثي دارند كه در كتاب الطهارة درج شده است.

7- رساله عمليه: رساله‏ها و حاشيه‏هاي حضرت امام كه براي مقلدان نوشته‏اند غير از تحريرالوسيله كه پيش از سال 1380ق. تاليف شده است.

8- حكومت: در اين موضوع رساله ولايت فقيه و مجموعه گفتارها و نوشته‏هاي پس از پيروزي انقلاب را بايد نام برد.

9- امامت و روحانيت: كتاب كشف الاسرار كه حدود سال 1363ق. تاليف شده است، در اين زمينه مي‏باشد.

10- شعر: مجموعه اشعار حضرت امام خميني (س) كه ديواني را تشكيل مي‏دهد.

مطلب سوم:

اينكه گفته مي‏شود حضرت امام تا پيش از رحلت آيت‏الله العظمي بروجردي يعني سال 1380 ق. بين عامه مردم شهرتي نداشتند و پس از وفات آن مرحوم و شروع نهضت روحانيت و 15 خرداد 1342 ش. مردم كم كم با آن بزرگوار و شخصيت عظيم و آشنا شدند، مطلب صحيحي است اما به اين معنا نيست كه امام خميني پيش از سال 1342 به طور كلي گمنام و ناشناخته بوده‏اند، بلكه علاوه بر حوزه علميه قم، بسياري از علماي بلاد و حوزه‏هاي علميه با ايشان و مقامات علمي و معنوي ايشان در كتابهاي متعددي كه پيش از شروع نهضت منتشر يا تاليف شده، كم و پيش بيان گرديده بود كه از باب نمونه، كتابهاي زير را نام مي‏بريم:

1- نقباء البشر، تاليف مرحوم علامه بزرگوار حاج آقا بزرگ تهراني.

2- الذريعه الي تصانيف الشيعه، تاليف همان مرحوم.

3- فهرست كتب چاپ فارسي، تاليف مرحوم خان بابا مشار.

4- فهرست كتب چاپي عربي، تاليف همان مرحوم.

5- فهرست مولفين كتب چاپي، تاليف همان مرحوم.

6- آثار الحجة كه در سال 1373 ق. تاليف شده است.

7- رجال قم، تاليف سيدمحمد مقدس زاده كه در سال 1335 ش. چاپ شده است.

8- آيينه‏دانشوران كه‏در سالهاي 1351 تا 1353ق. تاليف و در سال 1353ق. منتشر شده است.

در اين كتاب اخير، درباره امام خميني (س) : در آن تاريخ كه سي و دو سال داشته‏اند چنين مي‏نويسد:

آقا سيدروح الله از فضلا و دانشمنداني هستند كه در خدمت آقاي شاه آبادي درس خوانده و سالها از محضر عرفان و اخلاق آن جناب، بهره برده‏اند.

من شرح حال ايشان را همان طور كه خودشان مرقوم فرموداند به اندكي تصرف يادداشت مي‏كنم:

آقا سيدروح الله آخرين فرزند آقا سيدمصطفي هندي است كه رياست علميه قصبه خمين و حدود آن را دارا بوده و در سال 1321 ق. به دست‏يكي از خان‏هاي آن قصبه مقتول گشته. جد ايشان آقا سيداحمد معروف به سيدهندي است كه از هندوستان به ايران آمده و در خمين، قصبه‏اي در 25 فرسخي قم متوطن شده.

صاحب ترجمه سال 1320 تولد يافته و تا سال 1349 كه سن ايشان به نوزده رسيده بود، از مسقط الراس خارج نشده و چون وسيله تحصيل در آنجا فراهم نبوده، جز قسمت فارسي و پاره‏اي از علوم ادبي بيش نياموخته. در همان سال به سلطان آباد عراق (اراك) رفته و در آنجا به درس خواندن پرداخته و پس از هجرت آيت‏الله حائري به قم، ايشان نيز به حوزه علميه آمده و وقت‏خويش را بيشتر به تعليم و تعلم كتب صدرالمتالهين گذارده و اكنون چند سال است در محضر آقاميرزا محمدعلي شاه آبادي اشتغال به عرفان دارند و هم از حوزه درس آيت اللهي - آية‏الله حائري - بهره‏مند مي‏شوند.

از نوشته‏هاي ايشان است، شرح بر دعاي ماثور سحرهاي ماه رمضان كه در سال 1347 ق. اتمام يافته، ديگر رساله مصباح الهدايه في حقيقة الخلافة .

ديگر تعليقاتي است‏بر رساله قاضي سعيد قمي كه از عرفان اماميه به شمار مي‏رود و اين در شرح حديث راس الجالوب است، در شرح ديگر از خود ايشان و تاريخ انجام آن 1348 ق. مي‏باشد، ديگر حواشي بر شرح فصوص الحكم قيصري است كه ناتمام است.

مولف كتاب آيينه دانشوران مرحوم حاج سيدريحان الله يزدي در سال 1378 ق. يا دو سه سال پس از آن در چاپ دوم اين اثر، در تكميل نوشته قبل مي‏نويسد: از متخصصين علوم فلسفه و عرفان علاقه مندان به مطالعه كتب صدرالمتالهين در حوزه علميه قم در روزگار تاليف اين كتاب (آيينه دانشوران) دانشمندان عاليمقام آقاي حاج آقا روح‏الله خميني بودند به طوري كه چكامه‏هاي دلنواز عارفانه آن جناب نيز ورد زبان ما دانشجويان بود. از آن جمله غزل شيريني بود كه هنوز مطلعش را فراموش نكرده‏ام:

من در هواي دوست گذشتم ز جان خويش دل از وطن بريدم و از خاندان خويش

ولي اكنون كه قريب سي سال از آن روزگار مي‏گذرد، شهرت فقاهت‏حضرت معظم له عالمگير شده و از جمله آيات الله و مراجع تقليد شيعه به شمار مي‏آيند.

تاليفات عرفاني و فلسفي و اخلاقي

1- شرح دعاي سحر (عربي)

دعايي است كه با اين جمله آغاز مي‏شود: اللهم اني اسالك من بهائك بابهاه و كل بهائك بهي. اللهم اني اسالك ببهائك كله.

از امام رضا (ع) نقل شده است كه امام باقر (ع) اين دعا را در سحرهاي ماه مبارك رمضان مي‏خواندند. اين دعا شرحهاي متعددي دارد، يكي از آنها همين شرح امام خميني است كه در سال 1347 ق. يعني در 27 سالگي تاليف كرده‏اند.

اين كتاب از كتابهاي عرفاني حضرت امام امت است و مانند تاليف ديگر ايشان مصباح الهدايه ، فقط كساني كه با فلسفه و عرفان آشنايي كامل داشته باشند مي‏توانند از آن استفاده كنند.

سال تاليف اين كتاب مصادف است‏با سال ورود مرحوم شاه آبادي به قم و در اين كتاب دو جا از ايشان ياد و مطلبي نقل مي‏كنند. تاليف اين كتاب در سال اول تلمذ نزد مرحوم آقاي شاه آبادي، اين نكته را روشن مي‏كند كه حضرت امام خميني همان طور كه خودشان در اولين برخورد و ملاقات با آقاي شاه آبادي فرموده‏اند، فلسفه را قبلا خواند بودند و در عرفان نيز كار كرده و استاد ديده بودند.

شاهد اين مطلب اين است كه يك جاي همين كتاب فرموده‏اند:

سمعت من احدالمشايخ من ارباب المعرفة رضوان الله عليه و در جاي سوم فرموده‏اند: اتفق الحضور في محضر احد العلماء الكرام دام ظله

كه اين تعبير مربوط به آقاي شاه آبادي نيست چون هميشه از ايشان با عبارت شيخنا ياد مي‏كنند. در هر حال در اين كتاب از اسرارالصلاة حاج ميرزا جواد ملكي و تعليقه آقا محمدرضا قمشه‏اي بر شرح فصوص قيصري و شرح اسماء حاجي سبزواري و فتوحات محيي الدين و تاويلات عبدالرزاق كاشي و شرح قيصري بر فصوص و شرح مفتاح‏الغيب فناري و قبسات ميرداماد و اسفار ملاصدرا و برخي كتب فيض و نيز كتاب الهيئة والاسلام مرحوم سيد هبة‏الله شهرستاني ياد و مطلب نقل مي‏كند كه اين آخري گواه اين است كه امام خميني كتابهاي جديد را هم مي‏خواندند.

اين كتاب كه به زبان عربي است‏با ترجمه فارسي آن پس از پيروزي انقلاب چاپ شده است. (2)

2- مصباح الهداية ال الخلافة والولايه (عربي)

اين كتاب در بيان حقيقت محمديه و ولايت علويه است كه با ترجمه فارسي آن پس از انقلاب چاپ شده است. تاليف اين كتاب در سال 1349 به پايان رسيده و مانند شرح دعاي سحر فقط براي كساني كه با عرفان و اصطلاحات آن آشنايي دارند قابل استفاده است و خود حضرت امام - رضوان‏الله تعالي عليه - در پايان رساله فرموده‏اند:

خاتمه و وصية: اياك ايها الصديق الروحاني ثم اياك . . . ان تكشف هذه الاسرار لغيراهلها . . . و اياك ان تنظر نظرالفهم في هذه الاوراق الا بعدالفحص الكامل عن كلمات المتالهين من اهل الذوق و تعلم المعارف عنداهلمها من المشايخ العظام والعرفاء الكرام والافمجرد الرجوع الي مثل هذه المعارف لايزيد الا خسرانا ولا ينتج الا حرمانا. امام خميني - رضوان الله عليه - در كتابهاي ديگر خود مانند سرالصلاة و تعليقه بر شرح نصوص به اين كتاب ارجاع مي‏دهند و مي‏گويند در آن كتاب اين مطلب را تحقيق كرده‏ايم. در اين كتاب از شرح توحيد صدوق قاضي سعيد قمي و نيز البوارق الملكوتيه او و مفتاح الغيب قونوي و شرح نصوص قيصري و شرح قصيده ابن فارض عبدالرزاق كاشي و تعليقه بر شرح نصوص قيصري و نيز رساله در تحقيق اسفار اربعه هر دو از آقا محمدرضا قمشه‏اي مطالبي نقل مي‏شود و مورد انتقاد قرار مي‏گيرد. و همچنين از محيي الدين احيانا مطلبي نقل مي‏كنند و از استادشان آقاي شاه آبادي، چند جا با تجليل فراوان ياد و مطالبي نقل مي‏نمايد.

3- لقاء الله (فارسي)

مقاله‏اي است در اين موضوع به زبان فارسي در هفت صفحه كه در آن از استادشان مرحوم آقاي شاه آبادي ياد مي‏كنند. اين مقاله يا رساله در پايان كتاب لقاءالله مرحوم حاج ميزا جواد ملكي چاپ شده است.

4- سر الصلاة، صلاة العارفين يا معراج السالكين (فارسي)

اين كتاب براي خواص از اهل عرفان و سلوك نوشته شده و تاريخ پايان تاليف آن سال 1358 ق. است و تا حال دوبار چاپ شده است كه بار اول مستقل و بار ديگر در يادنامه شهيد مطهري - رحمة الله عليه - چاپ شده است.

در اين كتاب از اسرارالصلاة شهيد ثاني و مرحوم آقاي شاه آبادي ياد مي‏شود و نيز به شرح اربعين خود ارجاع مي‏دهند كه معلوم مي‏شود شرح اربعين را پيش از سرالصلاة نوشته‏اند يا هنگام نوشتن سرالصلاة آن كتاب هم در دست تاليف بوده است. در صفحه 67 چاپ اول آن مي‏خوانيم:

فرضا كه از عرفا كسي را نمي‏شناسي، از علماي بزرگ معرفت و اخلاق، آنها را كه پيش همه، علماي مسلمند پيروي كن مثل جناب عارف بالله و مجاهد في سبيل‏الله مولانا سيدابن طاووس - رضي الله عنه - و مثل مولانا عارف بالله سالك الي الله شيخ جليل بهائي - قدس سره - و شيخ ارباب معرفت مولانا محمدتقي مجلسي - رضوان الله عليه - و شيخ محدثين فرزند بزرگوار او مولانا مجلسي - رحمة‏الله - و كتاب شرح فقيه مولانا مجلسي اول كه يكي از كتابهاي نفيس جليل القدر است و فارسي است مطالعه نما و اگر نفهميدي از اهلش سوال كن و در آن كنزهايي معرفت است و همين طور كتب عزيزه شيخان نراقيان (ملامهدي نراقي و ملااحمد نراقي) و از علماي معاصر كتب شيخ جليل‏القدر عارف بالله حاج ميرزا جواد تبريزي - قدس سره - را مطالعه كنيد.

5- تعليقه علي شرح فصوص الحكم (عربي)

فصوص الحكم تاليف محيي الدين عربي و شرح آن از محمود قيصري است و امام خميني شرح فصوص را در هفت‏سالي كه از محضر مرحوم آقاي شاه آبادي استفاده مي‏كردند، نزد ايشان خوانده و تاريخ تاليف اين تعليقه هم همان سالهاست. در اين تعليقه به مصباح الهدايه خود ارجاع مي‏دهند و از مرحوم آقاي شاه آبادي نيز ياد مي‏كنند. كتاب شرح فصوص 495 صفحه است كه تعليقه امام تا صفحه 396 آن است.

اين تعليقه را حضرت امام خميني در حواشي نسخه چاپي شرح فصوص نوشته بودند و ظاهرا به دست عمال شاه مخلوع، جزو كتابهاي غارت شده ايشان، غارت شده بود، ولي خوشبختانه پس از انقلاب در همدان پيدا و به بيت‏حضرت امام تحويل داده شد و به صورت زيبايي چاپ گشت. اين تعليقه براي كساني كه شرح فصوص را نزد استاد مي‏خوانند، مفيد است.

6- تعليقه علي مصباح الانس (عربي)

مفتاح غيب الجمع والوجود تاليف صدرالدين محمدبن اسحاق قونوي و شرح آن به نام مصباح الانس تاليف محمدبن حمزة بن محمد عثماني معروف به ابن فناري است. امام خميني مصباح الانس را تا صفحه 44 از سال 1350 تا 1354ق. نزد مرحوم آقاي شاه آبادي خوانده است. در صفحه اول كتاب مرقوم داشته‏اند:

قد شرعنا قرائة هذا الكتاب الشريف لدي الشيخ العارف الكامل استاذنا في المعارف الالهيه حضرة الميرزا محمدعلي شاه آبادي الاصفهاني دام ظله في شهر رمضان المبارك سنة 1350ق.

و در صفحه 44 نوشته اند:

الي هنا قرات الكتاب عند شيخنا العارف الكامل الشاه‏آبادي روحي فداه و قداتفق انتقاله الي طهران مضرت محروما من فيضه دام ظله امام خميني - رضوان الله عليه - اين تعليقه را ظاهرا در همان زمان كه مصباح الانس را نزد مرحوم آقاي شاه آبادي مي‏خواندند، نوشته‏اند و پس از رفتن ايشان به تهران تعليقه را ادامه داده‏اند تا صفحه 132 مصباح‏الانس، و تاريخ پايان تاليف 1355 در قصبه خمين است. (مصباح الانس داراي 343 صفحه است) .

اين تعليقه به صورت زيبايي به ضميمه تعليقه بر شرح فصوص در سال 1406 چاپ شده است.

7- تعليقه علي شرح حديث راس الجالوت (عربي)

قاضي سعيد محمدبن محمد مفيد قمي از دانشمندان و عرفاي قرن يازدهم، تاليفات فراواني دارد كه يكي از آنها شرح حديث راس الجالوت است كه در ذريعه حاج آقا بزرگ در حرف شين ياد شده و متاسفانه نويسنده، اين رساله را هنوز زيارت نكرده است. گويا مقصود از حديث راس الجالوت همان احتجاج حضرت رضا (ع) با اصحاب اديان مختلفه است كه قسمتي از آن احتجاج با راس الجالوت يهودي است. حديث در توحيد و نيز عيون اخبارالرضا شيخ صدوق و احتجاج طبرسي و جلد دهم بحارالانوار و جلد دوم مسندالرضا نقل شده.

امام خميني - رضوان‏الله عليه - تعليقه‏اي بر اين رساله قاضي سعيد نوشته‏اند كه در جلد 26 ذريعه صفحه 285 چاپ مشهد ياد شده و هنوز به چاپ نرسيده است.

8- شرح حديث راس الجالوت (عربي)

امام خميني علاوه بر تعليقه‏اي كه ياد شد مستقلا شرحي بر اين حديث نوشته‏اند كه تاريخ تاليف آن بنا بر آنچه در كتاب آيينه دانشوران آمده است، 1348 مي‏باشد و اين رساله هم متاسفانه هنوز چاپ نشده است.

9- شرح حديث راس الجالوت (عربي)

مرحوم سيدريحان الله يزدي در آيينه دانشوران مي‏نويسد:

از نوشته‏هاي ايشان است تعليقاتي بر رساله قاضي سعيد قمي در شرح حديث راس الجالوت، با دو شرح ديگر از خود ايشان و تاريخ انجام آن، 1348 مي‏باشد. بنابراين امام خميني دو شرح بر اين حديث نوشته‏اند.

10- تفسير سوره حمد (فارسي)

تفسيري است عرفاني بر سوره حمد كه امام خميني در سالهاي اول پيروزي انقلاب در پنج جلسه بيان فرمودند و مكرر چاپ شده است. امام خميني در كتاب سرالصلاة، سوره حمد و توحيد را به طور مختصر با اشاراتي عرفاني تفسير كرده‏اند. به صفحات 139 تا 151 چاپ 1360 شمسي مراجعه شود. و نيز در كتاب آداب الصلاة سوره حمد و توحيد و اناانزلناه را به گونه‏اي مفصلتر تفسير كرده‏اند.

البته در اين كتاب اخير مي‏خواسته‏اند مطالبش براي همگان مفيد باشد اما به فرموده خودشان در تفسير سوره قدر، مطالبي فرموده‏اند كه فقط خواص مي‏توانند از آن استفاده كنند. به صفحه 152 تا 243 آداب الصلاة مراجعه شود. در صفحه 243 فرموده‏اند:

با آنكه بناي نويسنده در اين رساله آن بود كه از مطالب عرفاني غيرمانوس با نوع، خودداري كنم و فقط به آداب قلبيه صلاة اكتفا كنم، اينك مي‏بينم كه قلم طغيان نموده و در خصوص تفسير سوره شريفه، بيشتر از موضع قرارداد خود، تجاوز نمودم، چاره‏اي جز آن نيست كه اكنون از برادران ايماني و دوستان روحاني معذرت خواهي كنم.

بنابراين تفسير سوره از قرآن مجيد را به سبك تفسير عرفاني از امام خميني (س) در دست داريم. البته يك جلسه هم حضرت امام راجع به سوره علق مطالبي بيان فرمودند كه اين سخنراني هم به عنوان تفسير سوره علق به ضميمه تفسير سوره حمد به چاپ رسيده است.

11- الحاشيه علي الاسفار (عربي)

امام خميني - رضوان الله عليه - از مدرسين اسفار ملاصدرا بوده و گويا حواشي بر اين كتاب داشته باشند زيرا يكي از فضلاي حوزه علميه قم حاشيه‏اي از ايشان در مجله كيهان انديشه نقل كردند به اين شرح:

صدرالمتالهين در اسفار جلد ششم صفحه دو ماهه درباره حديث ماترددت في شئ انا فاعله كترددي في قبض روح عبدي المومن مي‏گويد: فما معني التردد المنسوب اليه؟ والذي سخ الهذا الراقم المسكين . . . حضرت امام خميني در حاشيه اسفار به كلام ملاصدرا اشكال نموده و فرموداند: آنچه ملاصدرا ذكر كرده، علاوه بر آنكه في نفسه از معناي حديث دور است، ملائمت و تناسبي هم با ذيل حديث ندارد و سپس حضرت امام مطلب را ادامه داده‏اند.

به كيهان انديشه شماره يازده و هجده مقاله مفهوم تردد در احاديث مراجعه شود. نويسنده غير از اين حاشيه در فلسفه از حضرت امام تاليفي سراغ ندارد والله العالم.

12- آداب الصلاة (فارسي)

اين كتاب را پس از سرالصلاة نوشته‏اند و در آغاز آن فرموده‏اند:

ايامي چند پيش از اين رساله‏اي فراهم آوردم كه به قدر ميسور از اسرار الصلاة در آن گنجانيدم و چون آن را با حال عامه تناسبي نيست در نظر گرفتم كه سطري از آداب قلبيه اين معراج روحاني را در سلك تحرير در آورم شايد برادران ايماني را از آن تذكري و قلب قاسي خود را تاثري حاصل آيد.

در اين كتاب، تفسير سوره‏هاي حمد و توحيد و قدر به گونه‏اي عرفاني و نسبتا مفصل آمده است. امام خميني - رضوان‏الله عليه - در اين تاليف به تعليقه فصوص و مصباح‏الهداية خود ارجاع داده و از مرحوم آقاي شاه آبادي ياد و مطلب نقل مي‏كنند و ضمنا يك جا كتاب سير و سلوك منسوب به سيد بحرالعلوم را ياد و مي‏گويند: انتساب اين كتاب به آن حضرت مورد ترديد است.

كتاب آداب الصلاة با تصرفاتي توسط حضرت آقاي فهري در دو جلد چاپ شده است. ضمن تشكر از سعي ايشان در نشر آثار امام، لازم بود اين كتاب به طور كامل و بدون هيچ‏گونه تصرفي مستقلا چاپ و منتشر شود كه اخيرا اينكار انجام شده است.

13- مبارزه با نفس جهاد اكبر (فارسي)

رساله‏اي است اخلاقي، در موضوع جهاد با نفس كه تقرير سخنرانيهاي حضرت امام در نجف اشرف براي طلاب و فضلا است. اين رساله بارها چاپ شده است.

14- شرح حديث جنود عقل و جهل (فارسي)

در كتاب شريف اصول كافي حديثي در بيان لشگريان عقل و جهل از امام صادق (ع) نقل شده كه شامل هفتاد و چند عنوان است.

امام خميني - رضوان الله عليه - اين حديث را به زبان فارسي شرح كرده‏اند ولي تا عنوان 25 آن را بيشتر ننوشته و موفق به تكميل آن نشده‏اند. اين كتاب از بهترين كتابهاي اخلاق و تربيت و سلوك است و به نام اخلاق اسلامي، به نام شخص ديگري در سه جلد چاپ شده است و داستانش از اين قرار است: مرحوم شهيد شيخ غلامحسين حقاني، دوست چندين ساله حقير مي‏گفت‏يكي از اشخاصي كه قبل از انقلاب مورد عنايت و لطف حضرت امام بود به نجف مشرف شد. حضرت امام كتاب شرح حديث جنود عقل و جهل را براي انتشار به ايشان مرحمت كردند. او از ترس دستگاه جبار شاهنشاهي، كتاب را با دخل و تصرفهايي به نام خود در سه جلد چاپ كرد، البته تا اواسط جلد دوم از امام، و بقيه از خود آن شخص است.

آن شخص در اثر انحراف سر از جهنم نفاق در آورد و كتاب هم چون به نام او بود، از دايره انتشارات حزب‏اللهي‏ها خارج شد.

اميد است نسخه اصلي اين كتاب پر ارج پيدا شود تا بدون هيچ دخل و تصرف به صورت اصلي خود چاپ و مورد استفاده محافل علمي و بخصوص حوزه‏هاي درس اخلاق حوزه علميه قم و ساير حوزه‏ها قرار گيرد.

15- اربعين - شرح اربعين (فارسي)

شرح چهل حديث است كه سي و سه حديث آن اخلاقي و هفت‏حديث ديگر اعتقادي است. در آغاز آن فرموده‏اند:

اين بنده بي بضاعت ضعيف مدتي بود با خود حديث مي‏كردم كه چهل حديث از احاديث اهل بيت عصمت و طهارت (ع) كه در كتب معتبره اصحاب و علما (ره) ثبت است، جمع‏آوري كرده و هر يك را به مناسبت‏شرحي كنم كه با حال عامه مناسبتي داشته باشد و از اين جهت آن را به زبان فارسي نگاشته كه فارسي زبانان از آن بهره گيرند . . .

در آغاز حديث اول، چهار نفر از مشايخ را كه به ايشان اجازه روايت‏حديث داده‏اند به اين ترتيب نام برده‏اند:

1- شيخ علامه متكلم فقيه اصولي اديب متبحر شيح محمدرضا آل علامه شيخ محمدتقي اصفهاني - ادام الله توفيقه - در زماني كه در قم مشرف بودند مقصود شيخ محمدرضا اصفهاني صاحب وقاية الاذهان است كه در سال 1344 و 1346 در قم به سر مي‏بردند و هنگام تاليف اين رساله يعني حدود سال 1358 ق. در اصفهان بودند و در 1362 ق. وفات كردند.

2- شيخ عالم جليل متعبد ثقه ثبت‏حاج شيخ عباس قمي - دام توفيقه - (م 1359ق)

3- سيد سند فقيه متكليم ثقه عين ثبت علامه سيدمحسن امين عاملي - ادام الله تائيداته - (م 1371ق)

4- سيدعالم ثقه ثبت‏سيدابوالقاسم دهكردي اصفهاني (م 1353ق)

مرحوم شيخ محمدرضا و مرحوم حاج شيخ عباس هر دو از حاجي نوري از شيخ انصاري و مرحوم سيدمحسن امين از سيدمحمد هندي از شيخ انصاري و مرحوم سيدابوالقاسم دهكردي از ميرزاهاشم اصفهاني خوانساري از شيخ انصاري.

سپس امام خميني مي‏فرمايند: غير از اين چهار طريق، طرق ديگري هم داريم كه به شيخ انصاري منتهي نمي‏شود و آن طرق را اينجا ذكر نكرديم.

تاريخ پايان تاليف كتاب اربعين 1358 ق. مي‏باشد و چهار حديث آن توسط حضرت آقاي فهري تحقيق و در 224 صفحه چاپ شد (3) و سپس حدود بيست‏حديث آن در مجله اعتصام كه از سازمان تبليغات اسلامي بود و تعطيل شد، چاپ گشت و بالاخره همه چهل حديث، در دو جلد توسط انتشارات طه قزوين در سال 1366 و سپس با چاپ بهتري توسط مركز نشر فرهنگي رجاء، در 556 صفحه در يك جلد منتشر شد. فهرست احاديث اين كتاب بسيار ارزنده از اين قرار است:

جهاد نفس، ريا، عجب، كبر، حسد، حب دنيا، غضب، عصبيت، نفاق، هواي نفس، فطرت، تفكر، توكل، خوف و رجاء، امتحان، صبر، توبه، ذكر خدا، غيبت، اخلاص، شكر، كراهت از مرگ، اصناف طالبان علم، اقسام علم، وسواس، فضيلت علم، عبادت و حضور قلب، لقاءالله، وصيت رسول‏خدا (ص) به حضرت امير (ع) ، اقسام قلوب، عدم شناخت‏حقيقي خدا و رسول و امام مومن، يقين و حرص و رضا، ولايت‏شرط قبول اعمال، حال مومن نزد خدا، معرفت‏حق و اسماء او، معرفت‏حق و صفات او، طريق معرفت‏حق تعالي و اولي الامر، خداوند آدم را به صورت خود آفريد، خير و شر، حقيقت توحيد.

كتابهاي فقه استدلالي

حضرت امام خميني (س) مدت سي سال يا بيشتر فقه استدلالي تدريس مي‏كردند و همه اين درسها يا قسمت اعظم آنها را نوشته‏اند و يكي از امتيازات اين تاليفات همين است كه پس از تدريس و تحقيق كامل، نوشته شده است. بحثهايي را كه حضرت امام خميني نوشته‏اند، عبارتند از: طهارت و مكاسب محرمه و بيع و خيارات و خلل صلاة، تقيه كه همه به زبان عربي است‏به اين شرح:

16- كتاب الطهارة

جلد اول، بحث نجاسات، تاريخ پايان تاليف، 10 ذيحجه 1373 ق. چاپ اول در 272 صفحه در قم و چاپ دوم در 358 صفحه در نجف سال 389 ق.

17- كتاب الطهارة

جلد دوم، بحث ماء ثلاثه. تاريخ پايان تاليف، 22 ربيع‏الاول 1376 ق. چاپ قم در 319 صفحه.

18- كتاب الطهارة

جلد سوم، بحث تيمم. تاريخ پايان تاليف، 11 شعبان 1376. چاپ قم در 235 صفحه.

19- كتاب الطهارة

جلد چهارم كتاب مذكور پيرامون بحث از احكام نجاسات مي‏باشد. اين كتاب كه آخرين قسمت از مباحث طهارت است تاليف آن در تاريخ 28 ذيقعده 1377 ق. به پايان رسيده و چاپ آن نيز در نجف اشرف به سال 1389 ق. انجام گرفته است. تعداد صفحات اين جلد 290 صفحه مي‏باشد.

20- المكاسب المحرمه

جلد اول، شامل بحث‏هاي الاكتساب، الاعيان النجسه، الاكتساب مما يكون المقصود حراما، الاكتساب بما لا منفعة فيه، الاكتساب بماهو حرام في نفسه، نقاشي و مجسمه‏سازي، غنا و غيبت و قسمتي از رساله روضة الغناء استادشان حاج شيخ محمدرضا اصفهاني در اين جلد نقل شده است.

(لازم به ذكر است كه ترجمه اين رساله در شماره هجده مجله كيهان انديشه مندرج است) تاريخ پايان تاليف پس از سال 1377 ق. و قبل از 1380 ق. مي‏باشد. چاپ قم در 322 صفحه در سال 1381.

21-المكاسب المحرمه

جلد دوم، شامل بحث‏هاي قمار، كذب، كمك به ظالم، ولايت از طرف جائر، تكسب به واجبات، جوايز سلطان و خراج و مقاسمه‏اي كه سلطان جائر مي‏گيرد.

تاريخ پايان تاليف، 8 جمادي‏الاولي 1380 چاپ قم در 290 صفحه در سال 1381.

22- كتاب البيع

جلد اول، تاريخ تاليف پس از 1380ق. در 457 صفحه در نجف چاپ شده است.

23- كتاب البيع

جلد دوم، در سال 1391 در نجف در 575 صفحه چاپ شده است و بحث ولايت فقيه حضرت امام خميني كه منشا بسياري از تحولات گشت، در اين جلد است.

24- كتاب البيع

جلد سوم، تاريخ پايان تاليف، 11 جمادي‏الاولي 1392 و در همان سالها در 485 صفحه در نجف چاپ شده است و بدين ترتيب اين سه جلد، حاصل تدريس حدود دوازده سال حضرت امام مي‏باشد كه به قلم خودشان نوشته شده است.

25- كتاب البيع

جلد چهارم، بحث‏خيارات. تاريخ پايان تاليف، 25 جمادي‏الاول 1394. در 452 صفحه در نجف در همان سال تاليف چاپ شده است.

26- كتاب البيع

جلد پنجم، شامل بقيه بحث‏خيارات و بحث نقد و نسيه و قبض. تاريخ پايان تاليف، 15 جمادي‏الاولي 1396. در 402 صفحه در سال 1397 در نجف چاپ شده است.

27- كتاب الخلل

بحث‏خلل صلاة است كه ظاهرا پس از سال 1397 تا هنگام مراجعت‏به ايران بحث كرده و نوشته‏اند. اين كتاب در 314 صفحه در قم چاپ شده است. (4)

28- رسالة في التقية

رساله‏اي است‏شامل مباحث تقيه در 35 صفحه كه تاريخ تاليف آن شعبان 1373 ق. مي‏باشد و به ضميمه رساله‏هاي اصولي حضرت امام در سال 1385 ق. در قم چاپ شده است.

جالب اينكه بحث معروف تقيه براي حفظ دين است نه محو دين در اين رساله عنوان شده است.

29- رسالة في قاعدة من ملك

اين رساله در كتاب آثارالحجة (جلد دوم صفحه 45) جز تاليفات حضرت امام ياد شده است.

30-رسالة في تعيين الفجر في الليالي المقمره

اين رساله در 32 صفحه رقعي در سال 1367 شمسي از امام خميني منتشر شده است كه در عين اختصار، از تاليفات فقه استدلالي ايشان به شمار مي‏آيد.

تاليفات امام در اصول فقه كه همه به زبان عربي است، به شرح ذيل است:

31- رساله لا ضرر

قاعده لاضرر با اينكه قاعده‏اي فقهي است اما در كتابهاي اصول در بخش برائت مورد بحث قرار مي‏گيرد و از اين رو ما اين رساله را از تاليفات اصول فقه به شمار آورديم. اين رساله هنگامي كه حضرت امام دوره اول اصول فقه را تدريس مي‏فرمودند، نوشته شده و تاريخ پايان تاليف آن غره جمادي‏الاولي 1368ق. مي‏باشد كه در 68 صفحه به ضميمه چند رساله ديگر با نام الرسائل در قم در سال 1385 چاپ شده است.

32- رسالة الاستصحاب

اين رساله در دوره اول درس اصولشان نوشته شده و تاريخ پايان تاليف آن، و رمضان 1370 مي‏باشد كه در 290 صفحه با همان رسائل در سال 1385 ق. در قم چاپ شده است.

33- رسالة في التعادل والتراجيح

در دوره اول درس نوشته‏اند و تاريخ پايان تاليف آن، 9 جمادي‏الاولي 1370 و تاريخ پاكنويس آن ماه رمضان 1370 بوده است و در 92 صفحه در همان رسائل در سال 1385 در قم چاپ شده است.

34- رسالة الاجتهاد والتقليد

چون پايان دوره اول درس اصول فقه حضرت امام 1370 ق. بوده تاريخ پايان تاليف اين رساله بايد همان سال باشد. در 78 صفحه در همان رسائل در سال 1385ق. در قم چاپ شده است. (5)

35- رسالة في الطلب والارادة

اين رساله را مي‏توان از رساله‏هاي فلسفي عرفاني شمرد، ولي چون حضرت امام در درس اصول فقه بحثش را مطرح كردند، ما جزو تاليفات اصول فقه ذكر كرديم.

در آغاز اين رساله فرموده‏اند: چون بحث ما در اصول فقه به مساله طلب و اراده كه به مساله جبر و تفويض منتهي مي‏شود، رسيد، تصميم داشتيم كه بحث در اين مساله را به اهل و محلش واگذاريم زيرا اداي حق اين مساله در اين درس امكان نداشت هم به دليل اينكه مقدمات فراواني لازم داشت كه بيان شود و هم به سبب دقت مطالب و دوري از فهم اكثر حضار در درس. الا اينكه اصرار برخي از كساني كه علاقه شديد به تنقيح مباحث دارند، مرا مجبور ساخت كه تا حدي كه مناسب مقام باشد بعض جهات مساله را مطرح كنم . . . و چون بحث درباره آن، در عين حال طولاني شد، مباحث را در رساله جداگانه‏اي ضمن مقدمه و چند مطلب نوشتيم.

تاريخ پايان تاليف اين رساله ماه رمضان 1371 ق. در همدان است. اين رساله با ترجمه فارسي آن در 157 صفحه در سال 1362 توسط مركز انتشارات علمي و فرهنگي چاپ شده است.

36- تعليقة علي كفاية الاصول

مرحوم حاج آقا بزرگ تهراني در كتاب الذريعه (جلد 26صفحه 285 چاپ مشهد) حاشيه كفاية‏الاصول آخوند خراساني تاليف حضرت امام خميني را ياد مي‏كنند و مي‏فرمايند: ذكره في فهرس تصانيفه و آقاي رازي نوشته‏اند اين حاشيه از بحث قطع تا استصحاب است و در جاي ديگر خوانده‏ام كه تاريخ پايان تاليف 1368 ق. مي‏باشد.

37- رساله در موضع علم اصول

و نيز در برخي نوشته‏ها، كتاب در اصول فقه به اين عنوان رساله در موضوع علم اصول از تاليفات امام خمين - قدس سره - شمرده شده است.

38- حضرت آقا سبحان كه از شاگردان برجسته حضرت امام بوده است

، م‏گويد:

امام خمين (س) تقريرات درس مرحوم آيت‏الله العظم بروجرد را نيز از آغاز مباحث اصول تا حجيت مظنه نوشته‏اند.

رساله ها عمليه يا فقه غيراستدلال

39- تعليقة عل العروة الوثق (عرب)

حاشيه‏ا است‏بر تمام عروة الوثق مرحوم سيدمحمدكاظم يزد. تاريخ پايان اين تعليقه 7 جماد‏الاول 1375ق. م‏باشد، چاپ اول آن در 345 صفحه در قم انجام شده است و پس از چند توسط مطبوعات دارالفكر چاپ دوم شده و سپس به ضميمه خود عروة الوثق، مكرر به چاپ رسيده است.

40- تعليقة عل وسيلة النجاة (عرب)

حاشيه‏ا است‏بر تمام وسيلة النجاة سيدابوالحسن اصفهان. تاريخ تاليف آن مشخص نيست.

41- حاشيه توضيح المسائل (فارس)

حاشيه‏ا است‏بر توضيح المسائل آيت‏الله العظم بروجرد كه در قم در 138 صفحه در سال 1381 پس از رحلت آيت الله بروجرد چاپ شده است.

42- رساله نجاة العباد (فارس)

اين رساله بايد سه جلد باشد، نويسنده فقط جلد دوم آن را كه از مكاسب محرمه تا طلاق است و در 155 صفحه در قم در حدود سال 1380 به چاپ رسيده، زيارت كرده است. اين رساله ظاهرا تاليف خود حضرت امام است و بايد درباره قسمتها چاپ نشده آن تحقيق شود.

43- حاشيه رساله ارث (فارس)

مرحوم حاج ملاهاشم خراسان صاحب كتاب منتخب‏التواريخ رساله‏ا در ارث به زبان فارس نوشته كه با حاشيه برخ مراجع تقليد گذشته چاپ سنگ شده است. حضرت امام خمين حاشيه‏ا بر اين رساله نوشته‏اند كه با اصل رساله در 120 صفحه در قم ظاهرا، پس از رحلت آيت‏الله العظم بروجرد، چاپ شده است.

44- مناسك يا دستور حج (فارس)

اين رساله مكرر چاپ شده و چاپ سوم آن كه نويسنده زيارت كرده در 187 صفحه در سال 1384 ق. انجام شده است.

45 و 46- تحرير الوسيله (عرب)

وسيلة النجاة تاليف مرحوم آيت‏الله العظم آقاسيدابوالحسن اصفهان از جهت كثرت با بها فقه (نه كثرت فروع) بر عروة الوثق تاليف سيدمحمد كاظم يزد برتر دارد يعن بسيار از بابها فقه مانند مكاسب، طلاق، نذر و . . . در عروة‏الوثق نيست ول در وسيلة‏النجاة هست. امام خمين همان طور كه قبلا گفته شد بر وسيلة‏النجاة حاشيه داشتند و در سال 1384 كه در تركيه تبعيد بودند به اين فكر افتادند كه حاشيه خود را در متن وسيله درج و در ضمن با بهاي را هم كه وسيلة‏النجاة، ناقص دارد تتميم و مسائل مستحدثه را هم به آن بيفزايند. اين كار به صورت بسيار خوب در مدت كه تبعيد بودند انجام گرفت و به نام تحريرالوسيله در همان سالها، در نجف، در دو جلد (662و647 صفحه) چاپ و سپس مكرر تجديد چاپ شد. (6)

47- زبدة الاحكام (عرب)

رساله مختصر است كه با توجه به تحريرالوسيله حضرت امام خمين توسط برخ از شاگردان ايشان تنظيم شده و مكرر به چاپ رسيده، يك از چاپها ممتاز آن چاپ سازمان تبليغات اسلام در 273 صفحه در سال 1404 ق. انجام شده است. يادآور اين نكته لازم است كه متن اول اين رساله سالها قبل تاليف شده و به نام چند نفر از مراجع تقليد از جمله آيت‏الله ميلان و آيت‏الله حاج سيداحمد خوانسار نيز به نامها ديگر چاپ شده است و بنابر اين بايد گفت همان متن اول با توجه به تحريرالوسيله به اين صورت تنظيم شده.

48- توضيح المسائل (فارس)

در زمان آيت‏الله العظم بروجرد احساس شد كه رساله عمليه ايشان بايد ويرايش شود تا برا عامه مردم باسواد قابل فهم باشد. به اين منظور حجت‏الاسلام والمسلمين حاج شيخ عل اصغر كرباسچ، موسس مدرسه علو در تهران و استاد محترم جناب آقا عل اصغر فقيه، صاحب تاليفات متعدد با همكار يكديگر رساله عمليه آن مرحوم را به صورت بسيار مطلوب در آوردند و به نام توضيح المسائل ناميده شد. پس از رحلت آيت‏الله بروجرد مراجع تقليد بر اين كتاب حاشيه زدند. از جمله حضرت امام حاشيه‏ا بر اين كتاب نوشتند كه بعدها توسط برخ از علما، حاشيه ايشان در متن درج و به نام توضيح المسائل امام خمين مكرر چاپ شده است.

49- ملحقات توضيح المسائل (فارس)

تحريرالوسيله حضرت امام خمين مسائل جديد و مستحدثه را هم داشت ول به زبان عرب بود و چون اين مسائل برا فارس زبانان هم لازم بود، به فارس ترجمه و به ضميمه برخ مسائل امر به معروف و نه از منكر و دفاع كه در توضيح المسائل نبود، به نام ملحقات توضيح المسائل و نامها ديگر، هم مستقل و هم به ضميمه توضيح‏المسائل مكرر چاپ شد.

50 و 51- استفتائات (فارس)

يك از كارها بسيار ارزنده، جمع و تنظيم جواب سوالات است كه از فقها م‏شده تا برا غير سوال كننده هم مورد استفاده قرار گيرد. كتابها بسيار مهم جامع‏الشتاب ميرزا قم و سوال و جواب حجت‏الاسلام شفت و سوال و جواب سيدمحمد كاظم يزد. همه از اين قبيل است. اخيرا مجموعه سوال و جوابها آيت‏الله العظم گلپايگان هم در چند جلد تنظيم و چاپ شده است. برخ از علاقه‏مندان به امام خمين - رضوان‏الله عليه - به فكر افتادند كه همين كار را در مورد استفتائات و جوابها حضرت امام انجام دهند كه قسمت از آن كه گويا مربوط به سالها 1360-1362 شمس است و در دو جلد تنظيم شده. يك جلد آن در 519 صفحه توسط انتشارات جامعه مدرسين قم چاپ شده است. اميد است همين كار نسبت‏به كل استفتائات حضرت امام خمين به صورت وسيع انجام گردد.

52- حكومت اسلام يا ولايت فقيه (فارس)

اين كتاب حاصل درسها حضرت امام خمين راجع به ولايت فقيه است كه در كتاب البيع ايشان هم به گونه‏ا مختصرتر آمده است. چاپ سوم اين كتاب در 208 صفحه در سال 1391 انجام شده است. و اين همان كتاب است كه زمينه فكر تشكيل حكومت اسلام را در ايران آماده ساخت و دستگاه جبار شاهنشاه نسبت‏به آن خيل حساسيت نشان م‏داد.

53- كشف الاسرار (فارس)

مرحوم حاج شيخ مهد پائين شهر از علما بزرگ قم و اتقيا بود. فرزند ناخلف او عل اكبر حكم زاده رساله‏ا به نام اسرار هزار ساله نوشت و در 38 صفحه در سال 1322 شمس منتشر ساخت. موضوع اين رساله حمله به مذهب تشيع بود. يعن حرفها فرقه ضاله وهاب را به ضميمه تبليغات سؤ عليه روحانيان كه آن روزها بازارشان داغ بود، در اين رساله آورده بود و در حقيقت رساله‏ا بود در ترويج وهابيت و از طرف همسو با كسرو و از طرف ديگر با رضاخان كه دشمن روحانيان بود.

امام خمين - رضوان الله عليه - سكوت را روا ندانستند و كتاب كشف الاسرار را در همان تاريخ، در پاسخ آن رساله نوشتند (7) و ضمنا خيانتها رضاخان را هم با راحت‏بيان كردند. كتاب مورد استقبال قرار گرفت و بارها چاپ شد. چاپ اول در سال 1323 شمس و چاپ سوم آن در سال 1327 شمس در 334 صفحه توسط كتابفروش علميه اسلاميه تهران انجام شده است.

قابل ذكر است كه حضرت امام برا تاليف كشف‏الاسرار مدت درس خود را تعطيل كردند و به نوشتن اين كتاب پرداختند و يك بار ديگر به همه اين در را آموختند كه بايد دنبال عمل به تكليف بود نه اينكه به يك كار مخصوص دل بست.

امام خمين هميشه حام حفظ وحدت مسلمانان بودند، اما در عين حال بيان كردن بطلان عقايد وهابيان و خرافات را كه آنان قائلند، جايز م‏دانستند و كتاب كشف‏الاسرار در همين راستا بود. در ضمن حضرت امام خمين بيان مبان تشيع و استدلال بر حقانيت اين مذهب را هم به طور كه اختلاف‏انگيز نباشد جايز، بلكه لازم م‏دانستند كه نمونه اعلا آن پيشگفتار وصيتنامه سياس ايشان است. (8)

54- رساله در رجال (عرب)

حضرت امام در علم رجال تاليف ندارند، اما در جلد اول كتاب طهارتشان كه قبلا ياد شد، بحث درباره محبت‏خبر اصحاب الاصول والكتب در 24 صفحه كه م‏توان آن را رساله‏ا جداگانه داشت و ما اين بحث را به عنوان رساله‏ا مستقل ياد كرديم تا نظر افاضل را به آن جلب و اين بعد علم حضرت امام - رضوان الله عليه - نيز معلوم گردد. در اين بحث درباره عبارت معروف: اجمعت العصابة عل تصحيح . . . و درباره فرق اصل و كتاب در اصطلاح قدما تحقيق شده است.

55- ديوان شعر (فارس)

حضرت امام از آغاز جوان تا پايان عمر گاهگاه شعر م‏سرودند و نمونه‏هاي از آن در كتابها آمده و يا در حافظه‏ها هست و بخش از آنها پس از رحلت‏حضرت امام به صورتها گوناگون چاپ شد. مجموعه اشعار ايشان ديوان نسبتا بزرگ را تشكيل م‏دهد ول قسمتهاي از آن مفقود شده. اين بيت از يك از غزلها امام است.

من در هوا دوست گذشتم زجان خويش دل از وطن بريدم و از خاندان خويش

كه در آغاز جوان سروده ول همواره مضمون آن در آن حضرت تجسم داشت، در پانزده خرداد، در تبعيد به تركيه، در هجرت به كويت و پاريس با آن شرايط خاص، در راجعت‏به ايران در آن وضع حاد، در ايام حملات هواي و نرفتن به سنگر به خاطر مصالح اسلام و . . .

56- رساله ا مشتمل بر فوايد در بعض مسائل مشكله

اين كتاب در بعض مصادر، ياد شده است و اطلاع از كم و كيف آن در دست نيست. كتابهاي كه تا كنون ياد شد، جز چند مورد آن، به قلم خود حضرت امام خمين (س) بود اما چند كتاب هم تقريرات بحثها فقه و اصول ايشان است كه شاگردان آن بزرگوار آنها را نوشته‏اند.

57 و 58- تهذيب الاصول (عرب)

تقرير بحث اصول فقه حضرت امام است به قلم استاد محترم حاج شيخ جعفر سبحان كه با چهار رساله الاضرر - استصحاب - تعادل و تراجيح و اجتهاد و تقليد) كه به قلم خود امام است، دوره كامل فقه م‏باشد. (9)

پايان جلد اول 1373 ق. و تاريخ تقرير كه حضرت امام بر آن نوشته‏اند، 1375ق. م‏باشد و تاريخ پايان جلد دوم كه تا اواخر برائت است 1375ق. و تاريخ پاكنويس آن 1379ق. است. اين كتاب در، سه جلد و دو جلد مكرر چاپ شده است.

59- رساله ف قاعدة لا ضرر يا نيل الاوطار

تقرير بحث امام است‏به قلم آقا سبحان، تاريخ پايان تاليف 1375 ق. و تاريخ پاكنويس آن 1380ق. اين رساله ضميمه تهذيب الاصول چاپ شده است.

60- رساله ف الاجتهاد والتقليد (عرب)

تقرير بحث امام است‏به قلم آقا سبحان، تاريخ پايان تاليف 1370ق. كه تاريخ پايان دوره اول درس اصول فقه امام است و تاريخ تجديد نظر در اين رساله 1377ق. كه تاريخ پايان دوره دوم درس اصول فقه امام است و تاريخ پاكنويس آن 1382ق. م‏باشد. اين رساله هم به ضميمه تهذيب‏الاصول چاپ شده.

61- لب الاثر يا رساله ف الطلب والاراده والجبر والتفويض. (عرب)

تقريرات بحث امام است‏به قلم آقا سبحان. تاريخ پايان تاليف 1371ق. و تاريخ پاكنويس 1373ق. و عكس نسخه خط آن در 57 صفحه در كتابخانه موسسه در راه حق قم موجود است. همان طور كه توجه داريد سه بحث اخير يعن قاعده لاضرر و اجتهاد و تقليد و طلب و اراده را هم خود امام نوشته‏اند و هم جناب آقا سبحان و شايد تفاوت چندان نداشته باشند.

62- كتاب البيع (عرب)

تقرير قسمت از بحث‏بيع حضرت امام است‏به قلم استاد محترم جناب آقا قدير كه اخيرا وزارت ارشاد آن را چاپ كرده است. البته همين قسمت‏به قلم خود امام هم نوشته شده كه قبلا ياد گشت.

63 و 82- صحيفه نور (فارس)

اعلاميه ها و گفتارها و حكمها و سخنرانيها و مصاحبه‏ها حضرت امام از سال 1341 شمس تا سال آخر عمر شريفشان به صورتها گوناگون و سليقه‏ها مختلف جمع‏آور و تنظيم و نشر شده است (10) كه شايد معتبرترين و جامعترين آنها كتاب شريف صحيفه نور باشد.

اين كتاب حدود بيست جلد است و شامل رهنمودها حضرت امام از سال 1341ش. تا آخر عمرشان يعن 1368ش. م‏باشد. در آغاز اين كتاب نوشته‏ا از سال 1363ق. كه مربوط به حدود بيست‏سال قبل از نهضت پانزدهم خرداد است آمده كه بسيار جالب توجه است.

83- وصيتنامه سياس اله (فارس)

آخرين تاليف حضرت امام خمين است كه پس از رحلت آن بزرگوار در اختيار امت اسلام قرار گرفت و نويسنده فكر م‏كند اين نسخه اله به دليل توجه خاص ملت ما به آن، پر تيراژترين كتاب در تاريخ چاپ ايران باشد زيرا تاكنون كه هنوز سالگرد درگذشت آن بزرگوار نرسيده است، شايد بيش از يك ميليون نسخه از آن چاپ شده باشد.

هر دم از اين باغ بر م رسد تازه تر از تازه تر م‏رسد

اكنون كه اين مقال - كه روزها بعد از رحلت‏حضرت امام رضوان‏الله عليه تدوين شده - منتشر م‏گردد دو اثر عرفان گرانقدر ديگر از آن حضرت چاپ شده است كه بسيار جالب توجه م‏باشد.

84- ره عشق

نامه عرفان حضرت امام خمين مورخ 1404ق. از انتشارات موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمين.

85- باده عشق

نامه عرفان ديگر است از انتشارات سروش

اكنون كه از معرف تاليفات و آثار حضرت امام خمين (س) كه در مجموع 85 جلد بود، فراغت‏يافتيم لازم است از همه كسان كه تا كنون درباره اين آثار زحمت كشيده و رنج برده‏اند و در راه تصحيح و ترجمه و تقرير و شرح و چاپ و نشر آن كوشش نموده‏اند تشكر و سپاسگزار شود. آنهاي را كه م‏شناسيم از باب قدردان نام م‏بريم:

آيات و حجج اسلام

1- حاج شيخ عل اكبر مسعود خمين كه يك جلد از طهارت به همت ايشان چاپ شده.

2- حاج سيدهاشم رسول محلات كه كتاب طهارت را تصحيح كرده‏اند.

3- حاج شيخ مجتب طهران انصار كه مكاسب محرمه و رسائل را تصحيح كرده‏اند.

4- حاج شيخ غلامرضا رضوان خمين كه كتاب بيع زير نظر ايشان چاپ شده است.

5- حاج سيداحمد فهر زنجان كه بسيار از آثار امام را ترجمه و منتشر ساخته‏اند.

6- حاج شيخ جعفر سبحان تبريز كه تقريرات مباحث اصول امام را نوشته‏اند.

7- حاج شيخ حسن قدير اصفهان كه تقريرات بيع امام را نوشته‏اند.

8- حاج شيخ احمد مطهر ساوج كه شرح تحرير نوشته‏اند.

9- حاج شيخ محمد فاضل قفقاز كه شرح تحرير نوشته‏اند.

10- حاج شيخ حسن راست كاشان كه مجموعه استفتائات زير نظر ايشان و جناب آقا قدير تنظيم شده است.

11- حاج سيدمحمدباقر موسو همدان كه تحريرالوسيله را به فارس ترجمه كرده‏اند.

12- آقا قاض زاده كه تحريرالوسيله را با همكار آقا اسلام برا بار دوم ترجمه كرده‏اند.

13- آقا اسلام كه تحريرالوسيله را با همكار آقا قاض زاده ترجمه كرده‏اند.

14- حاج شيخ محمد مومن قم كه قسمت از ترجمه مزبور را بررس كرده‏اند.

15- حاج شيخ حسن طاهر خرم‏آباد كه قسمت ديگر از ترجمه مزبور را بررس كرده‏اند.

16- حاج شيخ حسن ثقف كه رو تعليقه فصوص كار كرده‏اند. (11)

17- آقا شيخ محمدحسن احمد يزد كه رساله تعيين الفجر و نيز شرح حديث‏بيستم كتاب اربعين امام را منتشر ساخته‏اند.

در پايان برا روح پاك حضرت امام خمين طلب رحمت و رضوان م‏كنم و از خوانندگان عزيز انتظار دارم نقاط ضعف غيرقابل اغماض اين نوشتار را يادآور كرده و نويسنده را قرين امتنان فرمايند